

جمال کامیاب متولد ۱۳۴۶ شیراز است. او دانش آموخته کارشناسی فلسفه غرب از دانشکده ادبیات و کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران است. مدت چهار سال مدیریت دفتر مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی جهاد دانشگاهی تهران را برعهده داشته، دو سال رئیس اداره دوره‌های آموزشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بوده و نیز دو سال است که به عنوان مدیرکل امور فرهنگی دانشگاه تهران به فعالیت مشغول است.

«طرح پژوهشی تنغیم در قرآن» حاصل چند سال تلاش او و همکارانش است. به بهانه این طرح با او گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که از نظرتان می‌گذرد.

موسیقی در قرائت قرآن چه کاربردی دارد و آیا تلاوت‌ها مبنای علمی دارد و برپایه اصول است؟

هر رشته هنری یک سری قوانین و ضوابط ویژه خود را دارد که شخص علاقه‌مند در جهت تحصیل مقدماتی باید این قوانین و ضوابط را بیاموزد و در ضمن به کار بندد. اگر ما تلاوت قرآن کریم را به مثابه یک هنر بدانیم، باید آن را در چارچوب قوانین و ضوابط قرائت محدود کنیم. تعالیم قرآن در رشته‌های مختلف هنری را اگر در نظر بگیریم، تجلی رعایت این ضابطه‌ها را در آنها درمی‌یابیم. مثلاً خوشنویسی، نگارگری، تذهیب، جلدسازی و...

خیلی‌ها با بهره‌گیری از چشمه جوشنده قرآن کریم دست به هنرنمایی زده‌اند. خوب اگر مثلاً خوشنویسی بیرون از چارچوب قوانین هنر خوشنویسی به این هنر دست بزنند به این دلیل که مثلاً نمی‌خواهد قرآن را با محدودیت‌های هنرش تحت‌الشعاع قرار دهد، کار اشتباهی انجام داده است. فرض من از این مقدمه این است که عده‌ای در کشور هستند که

خیلی قائل به رعایت این قوانین نیستند و گاهی بر اعتقاد خودشان هم پافشاری می‌کنند. شاید مبنای استدلالشان این باشد که معنویت قرآن خدشه‌دار می‌شود که من مخالف این نظر هستم. همان‌طور که گفتم در قیاس با هنرهای دیگر تلاوت قرآن هم می‌بایست براساس نگرش‌های اصولمند مشخص، شفاف و معینی انجام بگیرد و اگر این امر محقق شود، رشد و تعالی آن را شاهد هستیم. چند نکته اساسی را نباید فراموش کنیم. اولی اینکه آموزش را تسهیل کنیم: امروز تعداد زیادی علاقه‌مند قرائت در بین جوانان و نوجوانان وجود دارد که برگزاری باشکوه مسابقات قرآنی شاهد بر این مدعاست. اغلب با عشق به قرآن، جذب این وادی می‌شوند و وظیفه استادان است که به صورتی جذاب پاسخگوی اینها باشند. علاوه بر آن، از جمله مسائلی که باعث پیشرفت در این زمینه است «وفاق صنفی» است که اگر این عامل وجود نداشته باشد در آموزش دچار مشکل می‌شویم. دیگر این که خیلی از رشته‌های قرآنی مثل تجوید و... دارای کتاب و شیوه مستقل آموزشی است در حالی که کتاب مستندی درباره قرائت نداریم.

دلیل این مشکل به نظر شما چیست؟

این علم، علمی جدید است. مدت زیادی نیست که با رویکردی علمی به سراغ آن رفته‌ایم تا بخواهد جایگاه خودش را پیدا کند، ناگزیریم مرحله آزمون و خطا را پشت سر بگذاریم. برای این که صوت و لحن بتواند برسد به تجوید، آشنایی با مفاهیم و شیوه‌ها، پیشرفت در آموزش را برای ما فراهم می‌کند. خیلی وقت‌ها هم بعضی اشتباهات ممکن است باعث ورود یک‌سری لحن نامناسب یا به فراموشی سپرده شدن بعضی الحان و اصوات مناسب بشود.

قرائت اصولی به ما کمک می‌کند ادای اصوات و نغمه‌ها، متناسب با معانی انجام گیرد. مثلاً آیا پذیرفتنی است شعر طربناک مولوی را با نوای

گفت‌وگو با جمال کامیاب  
کارشناس قرائت قرآن به صورت تنغیمی

تلاوت قرآن؛  
متعالی‌ترین  
هنر قدسی



حزین خواندن یا به عکس مرثیه را با نشاط و شادمانی خواندن؟ حتی پذیرفته عوام هم نخواهد بود. متأسفانه بعضی وقت‌ها شاهد این ماجراییم که قرائت‌ها هیچ ارتباطی به معانی ندارد یعنی نغمه‌ها و معانی باهم متباین هستند. قطعاً آیه‌ای که درباره عذاب است یا نغمه هماهنگ عذاب که گاه سرشار بیم و خوف است باید تلاوت شود و آهنگ تلاوت آیه‌ای که درباره بهشت است باید سرشار از امید باشد، مجموع همه اینهاست که اصول تلاوت را تبیین می‌کند:

«چون جمع شد معانی، گوی بیان توان زد».

ما برای این که بتوانیم به اهدافی که در نظر داریم برسیم، ناگزیریم که علم موسیقی و ضوابط آهنگین تلاوت کردن و قرائت موزون را بیاموزیم. هستند افراد بسیاری که در کنار صوت زیبا و دلنشین از ذوق و قریحه لطیف هنری هم بهره‌مندند. این افراد اگر بخواهند در وادی قرآن قدم بگذارند بعد از آمادگی روحی و باطنی قصد تلاوت کلام خدا می‌کنند.

**آمادگی روحی و باطنی؟**

بله، این هنر همچون همه هنرهای دیگر نیازمند یک نوع ریاضت و تزکیه نفس است و تقوایی را نیاز دارد که قطعاً این تقوا تأثیر زیادی در نورانیت قرائت می‌گذارد و مسلماً آن را تأثیرگذارتر و دلنشین‌تر می‌کند. در ضمن همه این مواردی که گفتم قاری لازم است علاوه بر دانستن اصول و قواعد تجوید با دستگاه‌ها، مقامات و نغمات موسیقی عرب نیز

آشنا باشد.

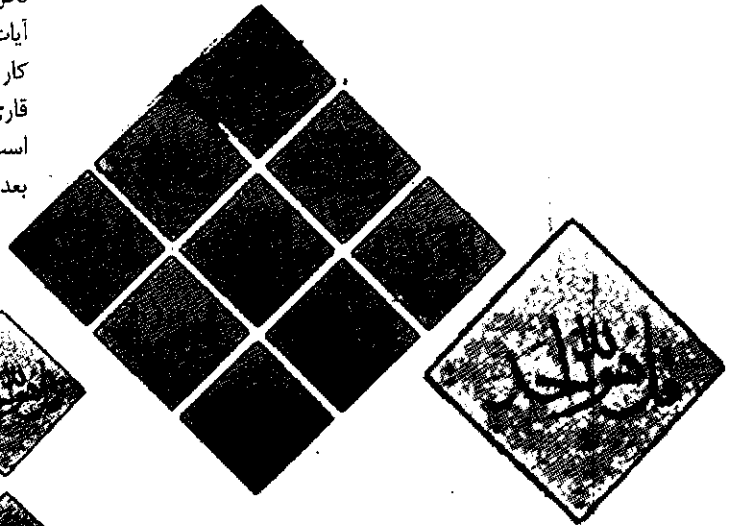
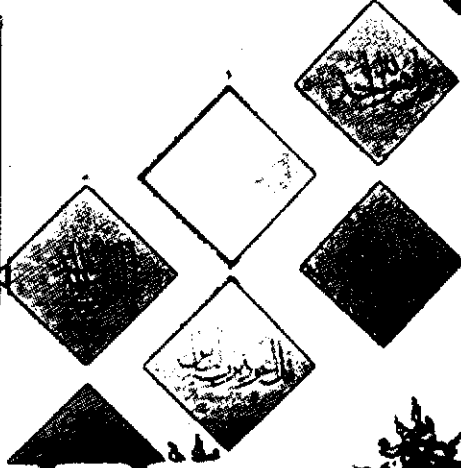
**چرا موسیقی عرب؟**

هر زبان، آواشناسی خودش را دارد. این زبان‌ها متناسب با آوای خود موسیقی هماهنگ با خود را می‌طلبند. بسیاری از الحان و آهنگ‌ها هستند که در یک زبان سوار بر کلمات آن زبان می‌شوند اما در زبان‌های دیگر نه! ما از آنجا که با زبان عربی سروکار داریم نیاز به آشنایی با نغمه‌ها، آهنگ‌ها و نواهای موسیقی عرب داریم.

**آیا از همه نغمه‌ها و الحان موسیقی عرب در قرائت قرآن استفاده**

**می‌شود؟**

خیر. بعضی از الحان، اصوات و نغمه‌ها هستند که مناسب کلام الهی نیستند. ما در تلاوت قرآن کریم مقامات و الحانی را مورد استفاده قرار می‌دهیم که همراه با صلابت، وقار، منانت و معنویت باشند. بنابراین عمده دستگاه‌هایی که در حال حاضر قاریان در سطح جهان به ویژه در ایران و مصر از آنها استفاده می‌کنند، مقام‌هایی است با نام «صبا»، «بیات»، «تهاوند»، «عجم»، «رست»، «سه‌گاه»، «چهارگاه» و «حجاز»، اینها مقام‌های اصلی هستند که هر یک از قاریان برحسب سبک و سلیقه و ذوق خود از برخی از اینها استفاده می‌کنند و البته ترکیبات متنوعی از این نغمه‌ها در ارائه تلاوت پدید می‌آورند. هر یک از این نغمه‌ها حال و هوای خاص خود را دارد. در اینجا تبحر قاری است که متناسب با آیات قرائت شده صوت و لحن مناسب را برمی‌گزیند و این استادی اوست که باعث می‌شود وزن آیات را متناسب با معانی و همچنین پرده‌ها را مطابق با مفهوم آیات به کار گیرد؛ پایین، متوسط یا اوج، مثلاً در آیاتی که مضمون دعایی دارد قاری نباید سر خدا داد بکشد! بلکه حالت خضوع و خشوع و فروتنی لازم است. پس مقام صبا را برای آیاتی با مضامین حزن و اندوه برمی‌گزینند. بعد از این که نوآموز صحت قرائت، تجوید، مفاهیم و ترجمه قرآن را



اسمی به معنای مشابهت لحنی نخواهد بود... اگرچه بعضی از تطبیقات را می‌توانیم ملاحظه کنیم: «نپاوند» عرب با «آواز بیات اصفهان» در ردیف‌های ایرانی. از این قبیل مشابهت‌ها، فراوان به چشم می‌خورد. مسلماً آشنایی با این هر دو، مُمدوح و باب نوآوری در تلاوت قرآن است چرا که متأسفانه امروز شاهد تسلسل و دور یکسان و یکنواختی در تلاوت‌ها هستیم و متأسفانه بسیاری از تلاوت‌های قاریان تقلیدی و موارد نو و ابتکاری بسیار کم‌ملاحظه می‌شود.

بیشتر قاریان مطرح جهان با موسیقی آشنایی داشته‌اند، از جمله استاد مصطفی اسماعیل که خود حتی رهبر ارکستر بوده است.

#### قاریان جوان ما چقدر باید با موسیقی آشنایی داشته باشند؟

یقیناً برخی از استادان برجسته قرآن کریم به ویژه مصریان، با اصول و مبانی موسیقی عرب آشنایی داشته و البته بوده‌اند استادان بزرگی هم که اطلاع چندانی از این مباحث نداشته‌اند اما هر چقدر درخصوص کاری که انجام می‌دهیم و خلق اثر هنری‌مان، اطلاعات بیشتری داشته باشیم و از ملزومات و مقدمات آن علم آگاهی‌های گسترده‌تری داشته باشیم، طبیعتاً در کار خود موفقیت بیشتری به دست می‌آوریم. بنابراین استادانی که آشنا با نغمه‌ها و الحان و ریزه‌کاری‌های موسیقایی هستند، طبیعتاً می‌بایست در ارائه تلاوت زیباتر و اصولی‌تر، موفق‌تر باشند.

درباره قاریان کشور خودمان لازم است عرض کنم: در چند سال اخیر، حرکت‌های گسترده‌ای صورت گرفته است و الان تعداد قاریانی که با مبانی موسیقایی قرآن کریم آشنا هستند کم نیست و البته باید اشاره شود که ما در مرحله گذار هستیم و این مرحله برخی بی‌ثباتی‌ها را هم به دنبال دارد.

#### مرحله گذار از چه؟

تا پیش از این، قاریان براساس تلاوت‌هایی که از استادان مصری گوش کرده بودند، صرفاً به تقلید یا ترکیب می‌پرداختند. اما بعد از این مرحله خیلی‌ها با آشنایی اجمالی به علم مقامات، آن سبک‌ها را تا مدتی تحت تأثیر

فراگرفته می‌تواند در نزد استادی مطلع تلاش کند با نغمه‌ها و دستگاه‌ها آشنا بشود. اولین گام، تقلید است؛ تا کسی مقلد خوبی نباشد در آینده نمی‌تواند دست به نوآوری بزند. شخص باید تلاوت قاریان برجسته را پیدا کند و با پیروی از تلاوت آنان به تمرین و ممارست بپردازد، کما این که آشنایی با نغمات عرب هم تقلید نیاز دارد. برخی استادان برای آسان کردن آموزش، هر یک از دستگاه‌های قرائت را به تقسیمات کوچکتری تبدیل کرده‌اند از جمله: «قرار»، «جواب»، «جواب جواب» که البته مبنای علمی این گونه تقسیم‌ها نیاز به بحث و بررسی زیادی دارد و شاید هنوز یک وفاق صنفی در این زمینه به وجود نیامده است.

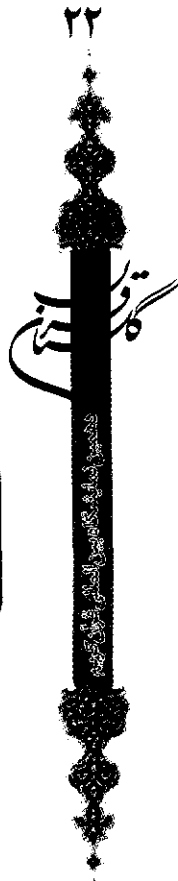
قطعاً کسی که می‌خواهد نغمه‌ای را تلاوت کند قبل از آن باید دارای صوت خوب باشد، صوت باید مرکوب لحن باشد و لحن راکب صوت و اگر مرکب راهوار نباشد، سوار یقیناً به مقصد نخواهد رسید. پس قاری با تمرین‌های ویژه پرورش صدا و با محافظت از صوت خود، حنجره‌اش را آماده استفاده از این الحان می‌کند.

آیا از دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی ایرانی در قرائت قرآن استفاده می‌شود؟ اصلاً آیا ارتباطی بین موسیقی عرب و موسیقی ایرانی، به ویژه در تلاوت‌های قرآن وجود دارد؟

بله. این ارتباط مسلماً وجود دارد.

#### چگونه؟

گاهی اوقات بعضی از افراد در تلاوت قرآن به این قائلند که از دستگاه‌های موسیقی سنتی نیز می‌توانیم استفاده کنیم. بنده به طور کامل این نظر را نفی نمی‌کنم. اما برای این موضوع شرایطی را لازم می‌دانم، کسی که یک متن عربی را می‌خواند، اول باید با نغمات آن آشنا شده باشد، چرا که هر چیزی معیارهای خاص خود را دارد. ارتباط زیاد دستگاه‌های ایرانی با دستگاه‌های عربی به سابقه تاریخی و فرهنگی و این که هر دو یک منشأ واحد دارند برمی‌گردد. اگر تأمل بیشتری به خرج دهیم، دستگاه‌های ایرانی و عربی در اسامی بسیار مشابه‌اند. البته مشابهت



قرار می دادند و دست به تغییر آنها می زدند که البته خود به خود در آغاز کار تنش و اضطراب تلاوت ها را تحت تأثیر قرار می دهد، اما به تدریج جاافتاده و ما داریم این مرحله گذار را پشت سر می گذاریم تا کم کم شیوه جدید تثبیت شود و البته بعد از این دوره سطح تلاوت، ایستایی خواهد یافت البته صرفاً با دانستن مقام ها و الحان مسئله تمام نمی شود. بلکه آرام آرام به مراحل بالاتر گام می گذاریم.

## استادانی که آشنا با نغمه ها، الحان و ریزه کاری های موسیقایی هستند، باید در ارائه تلاوت زیبا، موفق تر باشند

بازار عرضه شده است. البته من از آنها به نام تألیف نام نمی برم چون تألیف معنای خاص خود را دارد که این کتاب ها از آن بی بهره اند. ولی امیدوارم با توجه به این که این شیوه مدت بسیاری نیست که در ایران مورد توجه قرار گرفته، به همت استادان و صاحب نظران کشور در حوزه های علوم قرآنی و موسیقی شاهد انجام فعالیت پژوهشی بیشتری باشیم تا انشاء... این نقیصه موجود را هر چه سریع تر

### درباره چگونگی ترکیب این الحان توضیح می دهید؟

همچنان که در موسیقی سنتی ایران و آواز رخ می دهد، خواننده آواز در هر دستگاهی که آغاز به خواندن می کند، در همان دستگاه تمام می کند. البته مشترکاتی در دستگاه ها وجود دارد که ترکیب گوشه ها با هم در هماهنگی ویژه ای شکل جدیدی را پدید می آورد که تازه و بدیع است. قاری قرآن هم باید به ترتیب تقدم و تأخر الحان احاطه داشته باشد. در این زمینه باید عرض کنم که سبک های مختلفی وجود دارد از جمله: «مبسوط خوانی»، «ترکیبی»، «ترکیبی»، «متنوع». مثلاً در شیوه ترکیبی قاری قرآن یک مقام را در مرکزیت قرائت خود قرار می دهد و الحان دیگر را در حول این مقام به کار می گیرد و پس از قرائت هر نغمه مجدداً به آن مقام اصلی ترکیب می کند. مقام «رست» را بسیاری از قاریان برای شیوه ترکیب به کار می گیرند.

آیا برای موسیقی قدیم و موسیقی نوین چه ملی و چه بین المللی، کتاب و نوارهای آموزشی وجود دارد؟  
متأسفانه در مورد تلاوت تنغیمی، موزون و آهنگین قرآن کریم منابع موجود بسیار ضعیف هستند و تنها یکی دو کتاب مختصر در این زمینه به

برطرف کنیم. و کسانی که تشنه فراگیری و آموختن هنر تلاوت قرآن کریم هستند (حتی اگر در شهرستان های دورافتاده ی کشور زندگی می کنند و از دسترسی به استادان این رشته محرومند) بتوانند با استفاده از منابع مکتوب و صوتی و تصویری خود را سیراب کنند، زیرا هنر تلاوت قرآن کریم دریای روحانیت و معنویت است و در یک جمله، تلاوت قرآن کریم متعالی ترین نوع هنر قدسی است.

منابع و مأخذی که درباره آن بحث به میان آمد در کشورهای دیگر چگونه است؟

من خود به لحاظ این که به طور خاص در این رشته به کار تحقیقاتی پرداخته ام، در همین راستا سعی کرده ام به منابع احتمالی موجود دسترسی پیدا کنم. در سوریه در کتابخانه مرکزی «حافظ اسد» کتاب های مختلفی بود که در آنها به طور مستقیم به این قضیه پرداخته نشده بود اما می شد در خصوص فراگیری نغمه های عرب از آنها استفاده کرد و تا آن حد که بنده اطلاع دارم در کشورهای دیگر همچون مصر کتاب خاصی که منحصرأ به آموزش نغمه ها، مقامات و الحان عرب پرداخته باشد وجود ندارد و یا حداقل بنده مشاهده نکرده ام.

